

ساختار عاملی، روایی و پایایی ابزار سنجش هویت مکانی (مقایسه تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول و دوم)

سیده فاطمه موسوی نیا^{۱*}

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، E-mail: mousavinia@um.ac.ir

چکیده

در بحث از مفهوم هویت مکانی، بعنوان معرف جنبه‌هایی از هویت فرد که به محیط کالبدی زندگی روزمره‌اش مربوط می‌شود، توجه به مقیاس محیط از موضوعات مهم است. مطالعه حاضر، با هدف اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه هویت مکانی جهت استفاده در تحقیقات آتی انجام شد. با انتخاب جامعه‌ای آماری متشکل از ۳۱۲ نفر از ساکنان مجتمع‌های مسکونی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط، این مطالعه به تبیین ابعاد موثر در شکل‌گیری هویت مکانی، با استفاده از تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول و دوم می‌پردازد. پس از کنترل پایایی ترکیبی، روایی سازه و کفایت شاخص‌های برازش، مقایسه نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم نشان می‌دهد، هویت مکانی را می‌توان بعنوان سازه‌ای دوسطحی دانست که در آن، همبستگی بین سازه‌های سطح اول (ابعاد شناختی، عاطفی، ارزیابانه و رفتاری) بازتابی از وجود یک سازه کلی‌تر در سطح ثانویه است. با توجه به میزان تاثیر ابعاد در الگوی نهایی، در گونه مسکن مورد مطالعه، دو بعد اساسی موثر بر هویت مکانی ساکنان را باید در نظر داشت: اول، بعد ارزیابانه که به شیوه تعاملات ساکنان با محیط، از طریق احساس مالکیت افراد نسبت به محیط، دلالت دارد و دوم، بعد رفتاری که بر اهمیت قابلیت‌های محیط در بروز تعاملات اجتماعی ساکنان اشاره می‌کند. با توجه به ویژگی‌های مناسب روانسنجی، این ابزار می‌تواند در مطالعات بعدی به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: هویت مکانی، روایی و پایایی، تحلیل عاملی مرتبه اول، تحلیل عاملی مرتبه دوم، مجتمع‌های مسکونی.

۱- مقدمه

مسکن از اولین وسایلی است که مردم از طریق آن، فهم خود را از امنیت اجتماعی کسب کرده و هویت اجتماعی خود را شکل می‌دهند [۱]. در ادبیات مسکن، بر رابطه مسکن و هویت ساکنان تأکید شده و احراز هویت افراد بعنوان هدف نهایی سکونت دانسته می‌شود [2]. رفتارشناسان محیط، شکل‌گیری هویت فرد، را بر اساس رابطه انسان-محیط و در گرو شکل‌گیری هویت مکانی می‌دانند. با این وجود، علی‌رغم مباحث گسترده‌ای که در رابطه با هویت صورت گرفته، این پدیده همچنان بعنوان موضوعی مورد توجه، در زمینه کشورهای در حال توسعه مطرح است [۳].

از میان انواع محیط‌های مسکونی، مجتمع‌های مسکونی معاصر، حول ایده شکل‌گیری اجتماع محلی بوجود آمده‌اند [4] و با افزایش تمایل به جدایی‌های اجتماعی در جامعه و نیاز به امنیت، به گونه متداول و رو به رشدی از مسکن تبدیل شده‌اند که شیوه طراحی آنها، می‌تواند بر هویت مکانی و کیفیت زندگی ساکنان موثر باشد.

با توجه به اهمیت موضوع، برخی از پژوهش‌ها هویت مکانی را بصورت یک متغیر هدف مطالعه می‌کنند و برخی دیگر، اثرات آن را بر موضوعات محیطی و اجتماعی مدنظر دارند و بر این باورند که هویت مکانی تأثیر مهمی بر رفتارهای فردی (مرتبط با مکان) دارد [5]. لذا ساخت ابزار روانسنجی شده و کاربردی، بویژه در مقیاس خرد، به منظور مقایسه و ارزیابی مداخلات مختلف در حوزه هویت مکانی ارزشمند است. بدین منظور ابتدا این سؤال مطرح می‌گردد که: هویت مکانی در محیط مسکونی و بطور مشخص در مقیاس خرد به چه عواملی وابسته است؟ این پژوهش، از روش شناسی کمی و شیوه پیمایشی استفاده کرده و در گام نخست، با تحلیل نتایج مطالعات پیشین به تدوین مدلی مفهومی می‌پردازد. از آنجا که هویت مکانی یک مفهوم ذهنی است، مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌تواند برای تشخیص ابعاد آن مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اینکه مفهوم هویت مکانی در گروه‌های مختلف فرهنگی و مقیاس‌های مختلف محیط معنای متفاوتی به خود می‌گیرد، لذا هدف مطالعه حاضر بررسی ساختار عاملی و ارزیابی روایی و پایایی پرسشنامه هویت مکانی است. با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و انتخاب مجتمع‌های مسکونی، داده‌ها گردآوری شده و در نهایت با استفاده از تحلیل عامل تاییدی، مدل پیشنهادی پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- هویت و هویت مکانی

مفهوم هویت بطور همزمان بر دو نسبت محتمل شباهت و تفاوت میان افراد یا اشیا اشاره دارد [۶]. به این ترتیب، مفهوم هویت، تعریف‌کننده "من" در مقابل "غیرمن" است. عده‌ای از صاحب‌نظران، هویت‌ها را اجزای خود^۱ به شمار می‌آورند و آن را امری فردی و شخصی و مستقل از هویت اجتماعی می‌دانند. عده‌ای دیگر، واژه هویت را در اشاره به هویت‌یابی از یک دسته اجتماعی به کار می‌برند و آن را معنایی می‌دانند که افراد به نقش‌های خود در جوامع تفکیک شده معاصر می‌دهند. در نظر دسته سوم نیز، شکل‌گیری هویت، محصول یک فرآیند دوسویه درونی-بیرونی، میان دنیای شخصی فرد و مفاهیم اجتماعی است [۳]. در مطالعات مرتبط با هویت-خود^۲، مکان یکی از مولفه‌های اصلی دانسته می‌شود [7, 8]. مفهوم هویت مکانی، بعنوان بخشی از هویت‌یابی خود^۳، معرف جنبه‌هایی از هویت فرد است که به محیط کالبدی زندگی روزمره‌اش ارتباط می‌یابد [۹] و بصورت "فرآیندی که در آن فرد از طریق تعامل با مکان، خود را متعلق به مکانی خاص معرفی و توصیف می‌کند"، تعریف می‌شود [10].

۲-۲- مقیاس بحث (مجتمع‌های مسکونی) و اهمیت قلمرو و رفتار قلمروپایی

در ادبیات روانشناسی محیط و در بحث از هویت مکانی، مقیاس مکان موضوع بسیار مهمی است که باید در نظر گرفت [10]. هویت‌یابی با مکان می‌تواند در مقیاس‌های مختلف محیط، از کوچکترین آن (خانه و محله) تا یک شهر، منطقه و

¹ Self

² Self identity

³ Self-identification

حتی کشور مطرح باشد. مجموعه‌ای از پژوهش‌ها، در مقیاس شهر، شناسایی الگوهای رفتاری موجود در فضاهای مختلف شهری را در نظر دارند و دسته دیگر بر این باورند که میزان روابط مبتنی بر مکان (هویت مکانی و دل‌بستگی به مکان) بر مبنای مقیاس مکان متفاوت هستند [11]. این گروه بیشتر بر شناسایی و فهم ابعاد موثر بر هویت مکانی در مقیاس مورد نظرشان متمرکزند. جدول ۱، خلاصه‌ای از نتایج و روش‌های برخی از پژوهش‌های انجام شده در کشورمان را در خصوص مولفه‌های مرتبط با هویت مکانی نشان می‌دهد.

جدول ۱. مولفه‌های تبیین شده هویت مکانی در پژوهش‌های پیشین.

مفهوم مورد تمرکز	مقیاس بحث	روش شناسی	روش تجزیه و تحلیل	مولفه‌های تبیین شده	نویسنده
هویت بافت تاریخی	شهر خرم‌آباد	کمی	تکنیک Topsis و AHP	عامل طبیعی عوامل تاریخی-فرهنگی عوامل اجتماعی-اقتصادی	عامری سیاهویی و همکاران، ۱۳۹۱- [۱۲]
هویت محیط شهر (مؤلفه‌های طراحی شهری)	شهر (ورودی شهر سنندج)	کیفی	نامشخص	رویدادهای انسانی رویدادهای تاریخی محیط تبادل تصویر عینی و ذهنی افراد بهره‌بردار محوریت افراد بهره‌بردار پاسخ به نیازهای افراد در محیط‌های شهری ارتباط منطقی محیط و رفتار	خطیبی، ۱۳۹۲- [۱۳]
هویت مکان	شهر (فضاهای همگانی خیابان ولیعصر تهران)	کیفی	پدیدارشناسی استعلایی	نشانه‌گذاری‌های شخصی_شخصی‌سازی حس در مرکز بودن حضور دیگران متنوع مکان به مثابه نمونه‌ای از جامعه مکان، بازتابی از من	گلرخ، ۱۳۹۳- [۹]
هویت مکان	محله (توسعه‌های جدید شهری منطقه ۲۲ تهران)	کمی	تحلیل عامل مرتبه اول	آشنایی و شناخت خوانایی و تشخیص رضایتمندی خودکارآمدی تامل اجتماعی تناسب محیطی دل‌بستگی خاطره‌انگیزی	ارباب و همکاران، ۱۳۹۴- [۱۴]
هویت محله‌ای	محله (محلات منطقه ۷ تهران)	کمی	نامشخص	مشارکت و روحیه جمعی امنیت احساس تعلق و وابستگی تعمیرپذیری نسبت به جامعه محلی شناخت محله و مرزهای آن هویت محیطی محله	شماعی و جهانی، ۱۳۹۰- [۱۵]
هویت محله‌ای	محله (محلات مردواچ و عباس‌آباد اصفهان)	کمی	تحلیل عامل مرتبه دوم	احساس امنیت حس تعلق به مکان تعاملات اجتماعی	وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱- [۱۶]

در بسیاری از پژوهش‌ها، قلمرو بعنوان یک سازوکار پشتیبان برای نیازهای اصلی انسان مانند هویت، انگیزش و امنیت دانسته می‌شود [۱۷]. در همین راستا، پروشانسکی نیز، نیاز به فضای شخصی و قلمروپایی را بعنوان خصوصیت مشترک تمام انسان‌ها، برای شکل‌گیری هویت مکانی ضروری می‌داند [18]. به لحاظ مفهومی، قلمروگرایی به معنی تأمین فضای شخصی، تأمین خلوت و داشتن رفتار قلمروپایی است [۱۹]. در حقیقت مفهوم قلمروپایی، زمینه نگرش فرد نسبت به سایرین را شکل می‌دهد. اغلب مردم محدوده‌های کوچکی در محیط بلافاصل واحد مسکونی‌شان تعریف می‌کنند. این محدوده‌ها به خصایص کالبدی، اجتماعی و وسعت ارتباطاتشان بستگی دارد. تعریف قلمرو، می‌تواند بطور وسیعی نمادین باشد و الزاماً مانع دسترسی دیگران با حضور موانع فیزیکی نیست، بلکه بعضاً تضعیف دسترسی دیگران، بطور ذهنی مدنظر است. از نظر اپلیارد (Appleyard, 1977)، قلمرو فردی بیشتر تحت‌تأثیر نوع روابط میان همسایگان و شیوه استفاده است تا فرم فیزیکی [20]. احساس مالکیت یکی از ابعاد قلمروپایی است. مالکیت روانشناختی یک پدیده شناختی درونی مربوط به هر فرد است و قلمروپایی را می‌توان بروز و نشان‌دهنده رفتار اجتماعی وابسته به آن دانست. در حقیقت بیان اصلی قلمروپایی ("این مال من است، نه مال شما") خطاب به دیگر افراد است [21]. رفتار قلمرویی، با شخصی‌سازی و یا نشانه‌گذاری یک مکان یا یک شیء و تعلق آن به یک فرد یا گروه نمود می‌یابد [22]. شخصی‌سازی نشانه‌ای از تمایل به کنترل قلمرو مکانی و بیان سلیقه زیبا شناختی و تلاش برای سازگاری بهتر محیط و الگوی رفتار است [23] و علاوه بر تأمین زیبایی نمادین و برآوردن نیازهای خاص افراد، نقش مهمی در تأمین امنیت روانی از طریق ایجاد احساس مالکیت بر عهده دارد. هرچه میزان قابلیت شخصی سازی در محیط بیشتر باشد، تطابق بیشتری میان هویت فرد و محل زندگی او صورت می‌گیرد [3]. نشانه‌گذاری نیز، به

یکپارچگی و هم‌سانی اشیای یک مکان که موجب حس مالکیت بر آن مکان است، گفته می‌شود. نظریه قلمروپایی نشان می‌دهد که رفتار قلمروپایی را می‌توان در علامت‌گذاری و دفاع و محافظت از محدوده‌ای مشخص در برابر دیگران طبقه‌بندی کرد. در علامت‌گذاری، افراد با برچسب زدن بر محدوده‌ها، مالکیت خود و مرزهای آن را تعریف می‌کنند. این علامت‌گذاری می‌تواند با کنترل بر یک قلمرو همراه باشد. همینطور می‌تواند برای ساخت و بیان هویت یک فرد و ارتباط با دیگران استفاده شود [24].

۲-۳- ابعاد هویت مکانی

با توجه به تعریف شناخته شده کانتر (1977) Canter و استاکولز (1981) Stokols که در آن مکان، بصورت رابطه‌ای تبادل پذیر میان خصایص کالبدی-فضایی و انسانی-اجتماعی فضا دانسته می‌شود، می‌بایست در فهم هویت مکانی، مولفه‌های چندگانه آن (موضوعات فضایی-کالبدی و اجتماعی) و ماهیت تجارب فردی و اجتماعی (معانی، احساس‌ها و تجارب) را در نظر داشت [25]. در عین حال، مفهوم هویت مکانی، خود ساختاری با ابعاد شناختی، احساسی و ارزیابانه دانسته می‌شود [5].

• بعد شناختی هویت مکانی

تعریف سنتی هویت مکانی، بیشتر بر جنبه فردی رابطه مکان و هویت-خود تأکید داشته و مکان‌ها به مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه‌های روزمره، با تصور فرد از خودش آمیخته‌اند. در همین راستا، فرآیند شناخت که محصول رابطه میان خود و محیط است مطرح می‌گردد. در حقیقت تجارب محیط کالبدی، از طریق فرآیندهای شناختی باز سازماندهی می‌شوند [9]. ذهن انسان از طرح‌واره‌های حاصل از دانش و تجربیات طی زندگی، تشکیل شده است. اطلاعاتی که از محیط دریافت می‌شود، از صافی‌های شناختی که از قبل در ذهن وجود دارد عبور می‌کند. ساختار و چارچوب‌های شناختی ذهن، شبکه درهم تنیده و یکپارچه‌ای از مطالعات مربوط به مفاهیم و موضوعات مختلف است که عصاره‌ای از تجارب انسان در برخورد با موضوع مورد نظر می‌باشد. مجموع طرح‌واره‌های مختلف بر روی یکدیگر، تصویر ذهنی^۴ از پدیده را می‌سازد. به این ترتیب با شنیدن نام هر پدیده، تصویر ذهنی از آن برای ما تداعی می‌شود که محصول تعامل طرح‌واره‌های مختلفی است که از آن پدیده در شرایط متفاوت در ذهن ما ایجاد شده است. این طرح‌واره‌های شناختی، به مثابه بسته‌هایی است که هویت فرد از آن برداشت می‌شود [۲۶].

• بعد عاطفی هویت مکانی

مفاهیم تئوریک متعددی، مانند حس مکان^۶، دلبستگی به مکان^۷ و حس اجتماع محلی^۸، در مطالعه هویت مکانی مطرح هستند [5]. در ادبیات مکان، اجماع کلی در مورد روابط بین این مفاهیم وجود ندارد [27]. برخی از محققان، هویت مکانی و دلبستگی به مکان را دو بعد تعلق به مکان می‌دانند [28]. درحالی‌که برخی دیگر هویت مکانی را موضوعی فراتر دانسته [29] و تعلق به مکان را پیش‌نیاز هویت مکانی در نظر می‌گیرند. "یک نفر می‌تواند به مکانی احساس تعلق داشته باشد اما با آن شناخته و هویت‌مند نشود". هویت مکانی، هویت‌یابی یک فرد با مکان است، در حالی که تعلق به مکان، رابطه عاطفی یک فرد با مکان تلقی می‌گردد. بنابراین تعلق به مکان را می‌توان بعد عاطفی هویت مکانی دانست [5].

از نظر روان‌شناسی محیط، تعلق کالبدی برگرفته از عناصر و اجزای کالبدی مکان ساخته شده است و در اصطلاح، به دلبستگی^۹ افراد به مکان‌ها، محله‌ها و محل زندگی‌شان اشاره دارد و به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی دانسته می‌شود [30]. در درجه اول، جنبه زیبایی‌شناسانه محیط کالبدی، بر تصویر ذهنی محله^{۱۰} تأثیر می‌گذارد و شامل معانی نمادینی می‌شود که هویت مشترک را پرورش می‌دهد [31]. ادراکات محیطی بوجودآورنده نوعی احساس رضایت هستند که منتج به ایجاد پیوندهای مثبت بین ساکنان و محیط می‌گردد و در نهایت به ایجاد حس تعلق در آنها می‌انجامد. در اغلب نظریات مطرح‌شده، رضایتمندی از محیط بعنوان ضروری‌ترین عامل در ایجاد حس تعلق نام برده شده است. به گونه‌ای که حتی

⁴ Schema

⁵ Image

⁶ Sense of place

⁷ Place attachment

⁸ Community attachment or sense of community

⁹ Attachment

¹⁰ Neighbourhood image

برخی، بین میزان رضایت از محیط‌های مسکونی و تعلق به آن تمایزی قایل نمی‌شوند [۳۲]. این حس ایجاد شده، خود وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود در آن و مبتنی بر کیفیت محیط است [۳۳]. در درجه دوم، محیط کالبدی با فراهم آوردن کارکردهای موردنیاز ساکنان، امکانات در دسترس و خدمات، با برطرف کردن نیازهای ساکنان، می‌تواند بر دل‌بستگی ساکنان موثر باشد. در حقیقت عناصر کالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در ایجاد حس تعلق مؤثر هستند [۳۴]. سوما سازمان محله^{۱۱} ویژگی زمینه‌ای مهمی است که بر دل‌بستگی ساکنان موثر است. ساکنان از طریق عضویت در سازمان اجتماعی محله، علاقمند و وابسته به محله‌شان می‌شوند و حس تعلق با عضویت در گروه در ارتباط است. در این راستا تحقیقات کلاسیک، بر روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی به عنوان شاخصه‌هایی برای سنجش دل‌بستگی به مکان تاکید دارند [35]. همچنین تمایل به ادامه سکونت [36]، شاخص مناسبی برای سنجش حس تعلق به مکان دانسته می‌شود.

• بعد رفتاری هویت مکانی

برخلاف برخی از صاحب‌نظران که بر بعد فردی هویت مکانی تمرکز می‌کنند، عده‌ای بر ساخت اجتماعی آن تاکید کرده [37] و این پدیده را اجتماعی شدن دنیای کالبدی بوسیله خود می‌دانند. از این دیدگاه، مکان می‌تواند بصورت گروه اجتماعی مطرح شده در تئوری هویت اجتماعی^{۱۲} تعریف شود [38]. در سالهای اخیر محققان مختلف از تئوری‌های هویت اجتماعی و دسته‌بندی خود^{۱۳} برای فهم روابط میان محیط کالبدی و هویت استفاده کرده‌اند [8]. به عقیده تاجفل، هویت فردی اجزایی از تعریف خود را منعکس می‌کند که با ویژگی‌های شخصیتی و فیزیکی ارتباط دارد. اما هویت اجتماعی با عضویت گروهی پیوند دارد و عبارت است از آگاهی فرد به اینکه به گروه‌های اجتماعی معینی تعلق دارد و اهمیت عاطفی و ارزشی که برای این عضویت گروهی قائل است [24]. در تئوری دسته‌بندی خود، هویت‌های اجتماعی، در زمینه درون گروهی از طریق مقایسه اجتماعی، میان گروه "ما" با دیگر گروه‌ها ایجاد می‌شود [8].

حس تعلق اجتماعی، فرآیندی است که طی آن، رفتار دیگران برای فرد پیش‌بینی پذیر می‌گردد. این امر باعث افزایش اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اعضای جامعه و کاهش ناهماهنگی شناختی و ثبات رفتار اعضا شده و همبستگی و انسجام جامعه افزایش می‌یابد. افراد سعی می‌کنند از طریق تعامل با دیگران، به این حس دست یابند. از همین رو، تعاملات اجتماعی و استحکام روابط اجتماعی، به عنوان اساس اجتماعی هویت مکانی شناخته شده‌اند [5, 11]. طبق جدول ۱، در بحث از هویت مکانی در مقیاس محله، تحقیقات پیشین اهمیت بسیاری برای تعاملات اجتماعی ساکنان قائل بوده و آن را یکی از مولفه‌های اصلی هویت مکانی می‌دانند. تعامل اجتماعی بخش مهم و اساسی از زندگی انسان است که به تمامی ارتباطات دوسویه میان مردم اشاره می‌کند [39]. عمدتاً شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری تعاملات در مقیاس محله بکار برده می‌شوند، بر فرض رابطه دویستانه و میزان آشنایی و روابط میان همسایگان استوارند. بسیاری از محققان، همسایه بودن را با فراوانی تعداد قرارهای اجتماعی با همسایه‌ها، تعداد دوست در محله، تعداد دوست در ساختمان محل زندگی، میزان همراهی با همسایگان در اتفاقات اجتماعی محله، صحبت با همسایگان در خصوص مشکلات فردی، کمک متقابل در شرایط اضطراری و نگهداری کودکان اندازه گرفته‌اند [40].

• بعد ارزیابانه هویت مکانی

پروشانسکی "خود" را سیستمی مشتعل از ادراکات آگاهانه و ناآگاهانه افراد از گذشته، تجارب زندگی روزمره، رفتارها و آرزوهای آینده می‌داند. عملکرد خود، به نوعی یکپارچه‌سازی رفتارهای فرد است. مفهوم هویت خود متفاوت از مفهوم خود بوده و بر آگاهی نسبی، باورهای فردی، تفسیرها و ارزیابی‌های فرد دلالت دارد [18]. برخی از نظریه‌های مرتبط با هویت، محیط کالبدی را زمینه‌ای برای تنظیم هویت خود می‌دانند [9]. در این نگرش هویت نتیجه عمل متقابل بدن و محیط مادی و اجتماعی است. بطور مثال از دیدگاه مورفی^{۱۴}، انسان هم پدیده‌ای زیستی و هم پدیده‌ای اجتماعی است. بنابراین در بحث از

¹¹ Neighbourhood organization

¹² Social identity theory

¹³ Social categorization theory

¹⁴ Murphy

نحوه تشکیل و تحول شخصیت و هویت نباید ارگانیک و محیط را در مقابل یکدیگر قرار داد، زیرا پیوستگی کامل و تأثیر متقابل دارند [۴۱]. از این نقطه نظر، هویت نه فقط فرآیندی برای خود شناسی کنش گران اجتماعی است؛ بلکه معنی سازی نیز بواسطه آن صورت می گیرد [۴۲]. هویت عبارت است از: فرآیند معنا سازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته ای از ویژگی های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شود [۴۳]. بر اساس نظریه ریتز، افراد در یک فرآیند کنش متقابل نمادین معانی که طی تعامل با یکدیگر کسب کرده اند را به اشیا، رفتارها، خودشان و دیگران الصاق کرده و بر مبنای معنایی که این اشیا برای آنان دارند، رفتار می کنند. معانی طی تعامل شکل می گیرند و تجربه فردی و طرحواره های ذهنی، معانی مشترک اجتماعی را جرح و تعدیل می کند [۴۴]. محیط کالبدی به عنوان نمادی از شأن اجتماعی افراد عمل می کند و آنان با توجه به ارزیابی دیگران از محیط مسکونی شان، هویت خود را ارزیابی، تثبیت و ارتقا می بخشند [۴۵]. طبق نظر کوپرمارکوس، خانه یا محیط کالبدی به عنوان بسط مجازی بدن انسان در نظر گرفته شده و در نتیجه ارتباط عمیقی با مفاهیم احساس تعلق، شخصی سازی فضا و این همانی فرد با محیط خواهد داشت. چنین نگرشی به مفهوم هویت در درون خود از طرفی معرفت نیاز انسان به برقراری ارتباطی عمیق با مکان بوده و از طرف دیگر بیانگر نوعی نگرش درونی است که در مقابل نوعی نگاه بیرونی تعریف می گردد [۳].

۳- روش تحقیق

۳-۱- روش شناسی و معرفی جامعه آماری

پژوهش حاضر از نوع همبستگی (تحلیل ماتریس همبستگی یا کوواریانس) است. نمونه های مورد مطالعه در این پژوهش، چهار مجتمع مسکونی در شهر مشهد هستند که در انتخاب آنان مشابهت در تراکم مسکونی، قدمت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی ساکنان مدنظر قرار گرفت. از آنجاییکه پژوهش عینی فر و اقالطیفی (۱۳۹۰)، نشان داد که محدوده و مرز قلمروهای اولیه، ثانویه و عمومی، در دو الگوی مجموعه های مسکونی در سطح و در ارتفاع متفاوت از یکدیگر هستند، محدوده های مورد مطالعه، به لحاظ ارتفاع، مشابه در نظر گرفته شده و شامل آپارتمان های با ارتفاع کوتاه می باشند. با توجه به اهمیت نوع مالکیت [46] و طول مدت سکونت در حس تعلق افراد [47]، جامعه آماری مورد مطالعه، مالکین با بیش از ۵ سال سابقه سکونت در محله بودند.

در مورد حجم نمونه لازم، بعضی از منابع، حداقل حجم نمونه ۲۰۰ تایی را برای انجام تحلیل عاملی پیشنهاد می کنند. بعضی از محققان نیز حجم نمونه را بین حداقل ۵ تا حداکثر ۱۵ برابر تعداد گویه ها در نظر می گیرند [48]. شاخصی به نام شاخص هلتر ۱۵ در خروجی نرم افزار Amos گزارش می شود که مستقیماً بر موضوع کافی بودن حجم نمونه تمرکز دارد [49]. مقدار این شاخص در این پژوهش در سطح ۰/۰۵، ۳۰۱ و در سطح ۰/۰۱، ۳۲۹ گزارش شده است که تعداد ۳۱۲ پرسشنامه کامل بازگردانده شده در این پژوهش، نشان دهنده کفایت حجم نمونه می باشد.

۳-۲- تنظیم پرسشنامه و مراحل ارزیابی روایی و پایایی سازه هویت مکانی

با مرور ادبیات موضوع، مؤلفه ها و شاخص های هویت مکانی شناسایی و الگویی شامل ۴ مؤلفه و ۱۵ شاخص طبق جدول ۴ ارائه گردید. در این پژوهش، ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای با ۲۹ سؤال و طیف پنج گزیننه ای لیکرت است. به منظور ایجاد روایی محتوا، چارچوب اولیه پرسشنامه، توسط تعدادی از صاحب نظران مورد ارزیابی قرار گرفته و اصلاحات لازم اعمال شده است.

جدول ۲. ابعاد و شاخص های شناسایی شده در ارتباط با هویت مکانی با توجه به مطالعات پیشین.

ابعاد	متغیرهای مرتبط با تعریف عملیاتی	گویه	هدف
	من خودم را اهل اینجا (محله/مجتمع) می دانم.	D6	
بعد	من با اینجا (این محله) شناخته می شوم.	S7	
شناختی	من خاطرات زیادی از این محله دارم.	D4	
	احساس می کنم این محله مانند بخشی از من است.	S10	قلمروپایی- مالکیت ادراک شده
	احساس می کنم این محله معنای شخصی زیادی برای من دارد.	S48	معانی مشترک

احساس تعلق- رضایتمندی	S47	بطور کلی از زندگی در این مجتمع رضایت دارم.	بعد عاطفی
احساس تعلق	S46	من از نظر عاطفی به این محله وابسته هستم.	
احساس تعلق- تمایل به سکونت	A58	من تمایل دارم همچنان در اینجا زندگی کنم.	
احساس تعلق اجتماعی	A57	من به عضویت در این جامعه کوچک افتخار می کنم.	
احساس تعلق	A56	من از زندگی در اینجا احساس خوبی دارم.	
احساس تعلق اجتماعی	A55	در این مجموعه مسکونی احساس تنهایی می کنم و فکر می کنم با بقیه متفاوت هستم.	
احساس تعلق اجتماعی	A54	نوع رفتار ساکنین این مجموعه و نحوه برخورد آن ها با یکدیگر برای من اهمیتی ندارد.	
احساس تعلق اجتماعی	A59	عضوی از این مجموعه مسکونی بودن به معنای عضویت در یک گروه از دوستان است.	
قلمرو	A53	ارزش این را دارد که به اینجا تعلق داشته باشید.	بعد ارزیابانه
قلمروپایی- سلسله مراتب	T88	نوع فرارگیری درب های ورودی واحدهای مسکونی در بلوک های این مجموعه به گونه ای است که حریم خصوصی افراد محافظت نمی شود.	
قلمروپایی- مالکیت ادارک شده	I85	من نسبت به فضاهای باز این مجتمع احساس مالکیت می کنم.	
قلمروپایی- مالکیت ادارک شده	T83	فضاهای مشاع(درون ساختمان) امتداد خانه من است.	
قلمروپایی- کنترل	S5	برای من مهم است که چه کسانی در فضاهای مشترک رفت و آمد می کنند.	
قلمروپایی- سلسله مراتب	S4	با وجود تعدد ساکنین در این مجموعه مسکونی آرامش و زندگی فردی خانواده ها خدشه دار نشده است.	
قلمروپایی- کنترل	T89	من گاهی حضور افراد را در فضاهای مشترک کنترل میکنم.	
قلمروپایی- شخصی سازی	T87	فضاهای مشترک از نظر زیبایی با سلیقه من مطابقت دارد.	
قلمروپایی- شخصی سازی	T86	در فضاهای مشترک محدوده ای هست که می توانم در آن دخل و تصرف کنم.	بعد رفتاری
تعاملات اجتماعی- میزان آشنایی	I64	من برخی از همسایگانم را به اسم می شناسم.	
تعاملات اجتماعی	I75	در مهمانی ها و مراسم همسایگانم شرکت می کنم.	
تعاملات اجتماعی	I74	من بخشی از اوقات فراغت خود را با همسایگانم در این محله یا مجتمع می گذرانم.	
روابط دوسویه- اضطرار	I79	اگر شرایط اضطراری ایجاد شود، همسایگانی که حتی مرا نمی شناسند به کمک من می شتابند.	
روابط دوسویه- کمک متقابل	I69	در مواردی مانند نگهداری از فرزندانم از همسایگانم کمک می گیرم یا متقابلاً به آن ها کمک می کنم.	
مشارکت اجتماعی	I70	از فعالیتهای اجتماعی و امکانات محله، یا مجتمع مسکونی که در آن زندگی می کنم اطلاع دارم.	
مشارکت اجتماعی	I71	در فعالیتهای اجتماعی محله، یا مجتمع مسکونی که در آن زندگی می کنم شرکت می کنم.	

۳-۳- رویایی سازه

در گام اول ارزیابی رویایی سازه، به کمک تحلیل عامل اکتشافی توسط نرم افزار آماری SPSS، عوامل پنهان استخراج شدند و شاخص کفایت نمونه گیری Kaiser-Meyer-Olkin و آزمون بارتلت محاسبه شد. بر اساس قانون نشانگر سه تایی^{۱۶} حداقل سه متغیر مشاهده شده (گویه) به ازای هر متغیر پنهان باید در هر عامل وجود داشته باشد. اشتراک گویه ها با مقدار کمتر از ۰/۵ از تحلیل عامل اکتشافی حذف شدند. در گام بعدی، عوامل استخراج شده به کمک تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول و بر اساس متداول ترین شاخص های نیکویی برازش مدل یابی معادلات ساختاری بررسی شد.

بررسی پایایی و رویایی همگرا

از آنجایی که در مدل یابی معادلات ساختاری، همبستگی های غیریکسان با وزن های متفاوت بین شاخص ها و عامل ها وجود دارد، پایایی ترکیبی^{۱۷} CR می تواند برآورد دقیق تری نسبت به ضریب آلفای کرونباخ ارائه دهد [50]. بطور کلی پایایی ترکیبی نشان می دهد که شاخص هایی که معرف هر عامل هستند، با یکدیگر همبستگی بالایی دارند و یک عامل را اندازه می گیرند. رویایی همگرای سازه هویت مکانی نیز به کمک ارزیابی میانگین واریانس استخراچی^{۱۸} AVE سنجیده شد. جهت برقراری پایایی و رویایی همگرا، CR و AVE به ترتیب باید بیشتر از ۰/۷ و ۰/۵ باشند. طبق جدول ۳ می توان گفت که تمام ابعاد این مدل از پایایی و رویایی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۳. نتایج ضریب پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراچی هر عامل.

عامل ها	بعد رفتاری	بعد ارزیابانه	بعد شناختی	بعد عاطفی
CR	۰/۸۳۱	۰/۸۰۲	۰/۷۵۱	۰/۷۴۴
AVE	۰/۵۰۲	۰/۵۳۲	۰/۵۰۱	۰/۵۰۱

¹⁶Three indicator rule

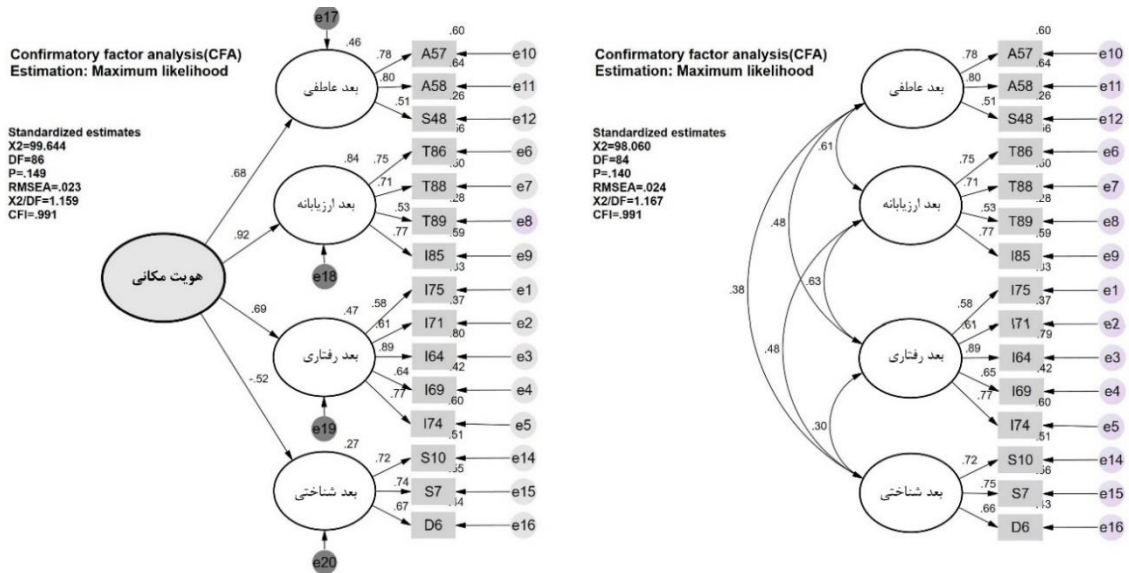
¹⁷ Construct reliability(CR)

¹⁸ Average Variance Extracted

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این قسمت، هدف بررسی رابطه بین هر یک از چهار عامل، با شاخص‌های خود و نیز با متغیر پنهان مرتبه بالاتر (هویت مکانی) است. بدین منظور از تکنیک تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول و دوم با روش حداکثر درست‌نمایی، در نرم‌افزار Amos نسخه ۲۳ استفاده شد (شکل ۲ و ۳). ابتدا اعتبار هر کدام از سوالات با استفاده از بار عاملی و معنی‌داری بار عاملی مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل نهایی بر اساس سوالاتی انجام شد که دارای بار عاملی معنی‌دار بیشتر از ۰/۳ بوده‌اند و سوالاتی که بار عاملی بدست‌آمده برای آنان معنی‌دار نبود (معناداری کمتر از ۰/۰۰۱)، حذف شدند. شکل ۱ مدل ساختاری و تحلیل عامل تأییدی سازه هویت مکانی را در حالت بار عاملی با ضرایب استاندارد شده نشان می‌دهد.

پس از بررسی مدل تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول، همبستگی بین سازه‌ها و مشخص شدن خرده مقیاس‌ها برای سنجش این مفهوم که آیا تمام مؤلفه‌ها در قالب مفهوم کلی هویت مکانی قرار می‌گیرند، تحلیل عاملی مرتبه دوم صورت گرفت (شکل ۲). در تحلیل عامل مرتبه دوم، فرض بر این است که متغیرهای پنهان استخراج شده در مرحله اول، خود بازتابی از سطح دیگری بوده و می‌توانند مفهوم کلی‌تری را در سطح ثانویه نشان دهند. در جدول ۵ شاخص‌های برازندگی تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم در مقایسه با تحلیل عامل مرتبه اول نشان داده شده است.



شکل ۱. تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول - در حالت استاندارد شده. شکل ۲. تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم - در حالت استاندارد شده. برآورد استاندارد مسیرها به همراه معناداری این روابط، در جدول ۴ آورده شده است. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، در تمامی مسیرها، وزن‌های بدست‌آمده تفاوت معناداری با صفر دارند. جدول ۴- برآورد استاندارد از مسیرها در تحلیل عاملی مرتبه دوم.

مسیرها	ضریب استاندارد	P سطح اطمینان
<---	۰/۶۸۶	۰/۰۰۱
<---	۰/۹۱۶	۰/۰۰۰
<---	۰/۵۱۶	۰/۰۰۰
<---	۰/۶۷۹	۰/۰۰۱
<---	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰
<---	۰/۸۹۲	۰/۰۰۰
<---	۰/۶۴۴	۰/۰۰۰
<---	۰/۷۷۳	۰/۰۰۱
<---	۰/۵۷۹	۰/۰۰۱
<---	۰/۵۲۸	۰/۰۰۰
<---	۰/۷۰۸	۰/۰۰۱
<---	۰/۷۴۷	۰/۰۰۱
<---	۰/۷۷۱	۰/۰۰۱
<---	۰/۷۳۹	۰/۰۰۱
<---	۰/۷۱۵	۰/۰۰۰

۰/۰۰۱	۰/۶۶۶	D6	<---	
۰/۰۰۰	۰/۷۹۹	A58	<---	
۰/۰۰۱	۰/۵۱۰	S48	<---	بعد عاطفی
۰/۰۰۰	۰/۷۷۷	A57	<---	

جدول ۵. مقادیر مهم ترین شاخص های برآزش مدل.

CFI	IFI	AGFI	PNFI	PCFI	RMSEA	CMIN/DF	P VALUE	df	χ^2	
۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۳۷	۰/۷۵۱	۰/۷۹۳	۰/۰۲۴	۱/۱۶۷	۰/۱۴۰	۸۴	۹۸/۰۶۰	تحلیل عامل مرتبه اول
۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۳۷	۰/۷۶۸	۰/۸۱۲	۰/۰۲۳	۱/۱۵۹	۰/۱۵۹	۸۶	۹۹/۶۴۴	تحلیل عامل مرتبه دوم

طبق جدول ۵، مقادیر تمامی شاخص های برآزش، قابل قبول هستند. یکی از شاخص های برآزش مدل، شاخص میانگین ریشه مجذورات RMSEA است. معیار پیشنهاد شده برای این شاخص، کوچکتر یا مساوی ۰/۰۸ است. بنابراین مقدار ۰/۰۲۳ نشان دهنده برآزش مناسب مدل تحلیل عامل مرتبه دوم با داده های مشاهده شده می باشد. از میان چهار شاخص تعریف کننده هویت مکانی، بعد ارزیابانه بیشترین مقدار ضریب همبستگی (مقدار ۰/۹۱۸) را با این متغیر داراست. این یافته، اهمیت توجه به موضوع قلمرو و تعریف دقیق آن را در مجتمع های مسکونی نشان می دهد. پس از آن بعد رفتاری با مقدار ۰/۶۸۶، بیشترین مقدار همبستگی را با متغیر هویت مکانی دارد. این نتیجه، مبنی بر اهمیت بعد رفتاری، با یافته های پژوهش وحیدا و نگینی (۱۳۹۱) مطابق است. همچنین در میان شاخص های تعریف کننده هر عامل، مالکیت ادراک شده (۰/۷۷) و شخصی سازی (۰/۷۵)، میزان آشنایی میان ساکنان (۰/۸۹)، بیشترین تاثیر را بر ابعاد مرتبط داشتند.

۵- بحث و نتیجه گیری

در ادبیات سکونت به اهمیت نقش مسکن در شکل گیری هویت افراد اشاره شده است. چنانکه بسیاری از صاحب نظران شیوه تعامل محیط ساخته شده با ساکنان را موجب شکل گیری هویت در افراد می دانند و در فرآیند کنش متقابل، محیط مسکونی بعنوان نمادی از ساکنان، ویژگی های آنان را بیان می کند. هویت مکانی در قالب مجموعه ای از روابط، عناصر و عواملی که در تعامل با یکدیگر و در بستر محیط اجتماعی-فرهنگی، انسان را به محل زندگی اش پیوند می زند، تعریف می شود. از انواع محیط های مسکونی، امروزه مجتمع های مسکونی، به شیوه متداولی از سکونت تبدیل شده اند که بر شرایط زندگی اجتماعی ساکنان موثرند. پژوهش حاضر، با هدف شنا سایی ابعاد هویت مکانی در مقیاس خرد و ارائه مدلی مفهومی انجام پذیرفت. لذا در خصوص معیارهای ارزیابی هویت مکانی، بر پایه مطالعات پیشین و از میان ابعاد گوناگون، چهار بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و ارزیابانه شناسایی شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه ای محقق ساخته بود که برای تعیین پایایی و اعتبار آن از پایایی ترکیبی و روایی همگرا استفاده شد. سپس برآزش مدل ساختار عاملی پرسشنامه هویت مکانی پس از حذف داده های پرت، نشانگرهای ضعیف و همچنین بررسی توزیع طبیعی داده ها به کمک تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول مورد بررسی قرار گرفت و متداول ترین شاخص های برآزش مدل ارزیابی شدند. نتایج نشان دهنده مناسب بودن برآزش مدل برای تمام شاخص ها بود. جهت دستیابی به مدل معادلات ساختاری دقیق تر، از تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم استفاده شد. هدف از این شیوه دستیابی به روش معنادارتری از داده ها است به گونه ای که خود متغیرهای پنهان در واریانس مشترک، ناشی از یک یا چند عامل مرتبه بالاتر است و سازه مدنظر دارای دو سطح می باشد. در حقیقت سازه های سطح اول (ابعاد شناختی، عاطفی، ارزیابانه و رفتاری) بطور کامل بعنوان متغیر مستقل عمل نمی کنند و همبستگی بین آن ها بازتابی از وجود یک سازه کلی تر در سطح مفهومی ثانویه است.

نتیجه تحقیق، در وهله اول توجه به مقیاس بحث را در تبیین شاخص ها و معیارهای تعریف کننده هویت مکانی نشان داده و در همین راستا، ابزار جدیدی در سنجش هویت مکانی در مسکن با ارتفاع کوتاه، مشتمل بر چهار بعد و ۱۵ مؤلفه ارائه می دهد. بطور مشخص، با توجه به میزان تاثیر ابعاد در الگوی نهایی، در گونه مسکن مورد مطالعه، دو معیار اساسی موثر بر هویت مکانی ساکنان را باید در نظر داشت. اول، با توجه به بعد ارزیابانه، شیوه تعاملات ساکنان با محیط، که از طریق احساس مالکیت آن ها، نسبت به محیط پدید می آید. این موضوع موید نظر گیدنز است. به اعتقاد او، روابط اجتماعی از موقعیت زمانی و مکانی سنتی خود خارج شده اند. از این رو مردم در جست و جوی تثبیت دوباره میزانی از استقلال، آشنایی و معانی بین اذهانی در قلمروهای مربوط به خود هستند. از نظر سوندرز نیز، تمایل گسترده مردم به مالکیت خانه و به تبع آن محیط پیرامون آن،

نشانه واکنش آنها به این حس ناامنی است. مالکیت در اصل نوعی بسط ظرفیت فرد برای کنترل اشیا و بیانگر حق کنترل بر فضای شخصی روزمره است که اهمیت زیادی دارد. در این راستا، قلمروپایی که ارتباط و تعامل دوطرفه میان انسان و محیط را مورد توجه قرار می دهد، از موضوعات مطرح است. داشتن رفتار قلمروپایی را می توان عامل مهمی در رفتار افراد دانست. این موضوع اهمیت نوع طراحی در مجتمع های مسکونی را نشان می دهد که می بایست از طریق عوامل فیزیکی، فعالیت ها و معانی مرتبط با آن قابلیت ها تحقق پیدا کند. لذا هویت مکانی در مجتمع های مسکونی، به طور قابل توجهی تحت تاثیر تعریف روشن عرصه بندی ها و قلمروها، جهت ایجاد احساس مالکیت و امکان شخصی سازی است. دوم، اهمیت بعد رفتاری هویت مکانی بر اهمیت قابلیت های محیط در بروز تعاملات اجتماعی ساکنان دلالت دارد. بر مبنای ارتباطات اجتماعی شکل گرفته و توسعه یافته در یک موقعیت، هر فرد سطحی از هویت یابی و دل بستگی با اعضا و اجزای مشترک متعلق به یک شهر را حس می کند و می تواند باورها، خاطرات جمعی، تجارب، ارزش ها و سبک زندگی خود را به اشتراک بگذارد. بنابراین بر مبنای ساختار اجتماعی یک مکان و بر مبنای فرآیندهای هویت یابی خود، افراد نه تنها به مکانی مانند محله یا شهر یا کشور احساس دل بستگی می کنند، بلکه به عنوان عضوی از این اجتماعات تجربه و رفتار می کنند. همچنین بعد عاطفی هویت مکانی، هنگامی بروز می یابد که نوعی ارتباط عمیق بین فرد و محیط برقرار شود. این ارتباط و احساس تعلق خود دارای دو وجه کالبدی و اجتماعی است که نتایج، نشان دهنده برتری تعلق اجتماعی بر تعلق کالبدی در محیط می باشد.

مراجع

- [1] باندز، م. نظریه اجتماعی شهری (شهر، خود و جامعه)، (رحمت الله صدیق سروستانی، مترجم)، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- [2] شولتز، ک. مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی. (محمود یاراحمدی، مترجم)، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۱.
- [3] سلیمانی، م.، اعتصام، ا.، حبیب، ف. بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری. هویت شهر، (۲۵)، ۱۰-۱۵، ۲۶-۱۳۹۵.
- [4] Sakip, S R, Johari, N, Salleh. M N. Sense of community in gated and non-gated residential neighborhoods. AcE-Bs 2012 Bangkok, ASEAN Conference on Environment-Behaviour Studies, Bangkok, Thailand, 2012.
- [5] Belanche, D Casaló, LV, Flavián, C. Understanding the cognitive, affective and evaluative components of social urban identity: Determinants, measurement, and practical consequences. Journal of Environmental Psychology, 50, 138-153, 2017.
- [6] جنکینز، ر. هویت اجتماعی. (تورج یاراحمدی، مترجم)، تهران: موسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱.
- [7] Anton, C E, Lawrence, C. Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. Journal of Environmental Psychology, 40, 451-461, 2014.
- [8] Bernardo, F, Palma-Oliveira, J. Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity. Journal of Environmental Psychology, 45, 239-251, 2016.
- [9] گلرخ، ش. ابعاد هویت مکانی در تجربه فضای همگانی، زنان جوان (۲۳-۳۵ ساله) ساکن شهر تهران. صفحه، ۶۶، ۶۶-۷۵، ۱۳۹۳.
- [10] Hernandez, B, Hidalgo, M C, Salazar-Laplace, M E, Hess, S. Place attachment and place identity in natives and non-natives. Journal of Environmental Psychology, 27, 310-319, 2007.
- [11] Hidalgo, M C, Hernandez, B. Place attachment: conceptual and empirical questions. Journal of Environmental Psychology, 21(3), 273-281, 2001.
- [12] عامری سیاهویی، ح.، بیرانوندزاده، م.، رستم گورانی، ا. رتبه بندی عوامل هویت بخش بافت تاریخی شهر خرم آباد با استفاده از تکنیک های AHP و Topsis. هویت شهر، ۱۱، ۷۵-۸۴، ۱۳۹۱.

- [۱۳] خطیبی، م. تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، مطالعه محدوده ورودی سنندج. هویت شهر، ۷(۱۳)، ۶۳-۷۳، ۱۳۹۲.
- [۱۴] ارباب، پ.، عزیزی، م.، زبردست، ا. تبیین معیارهای کلیدی فرآیند شکل‌گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید، مطالعه موردی: منطقه ۲۲ تهران، هنرهای زیبا، ۲۰(۴)، ۲۰-۵، ۱۳۹۴.
- [۱۵] شمعی، ع.، جهانی، ر. بررسی اثرات توسعه عمودی شهر بر هویت محله‌ای (مطالعه موردی، منطقه ۷ تهران). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶، ۷۳-۸۲، ۱۳۹۰.
- [۱۵] وحید، ف.، نگینی، س. ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای. مطالعات شهری، ۲، ۳۵-۵۸، ۱۳۹۱.
- [۱۷] عینی‌فر، ع.، آقالطیفی، آ. مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی. هنرهای زیبا، ۴۷، ۱۷-۲۸، ۱۳۹۰.
- [18] Proshansky, H M, Fabian A K, Kaminoff, R. Place-identity: physical world socialization of the self. New York: The City University of New York, 1983.
- [۱۹] یگانه، م.، بمانیان، م.، عینی‌فر، ع. انصاری، م. تبیین رابطه رفتار قلمروپایی شهروندان با معیارها و میزان ادراک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهر، مطالعه موردی: خیابان ولیعصر تهران. هویت شهر، ۱۹، ۱۸-۵، ۱۳۹۳.
- [20] Lay, M C. Site layout, territorial organization and social behavior in residential environments. Paper presented at the 15th International Association for People-Environment Studies Conference, Eindhoven, Netherlands, 1998.
- [21] Brown, G, Zhu, H. 'My workspace, not yours': The impact of psychological ownership and territoriality in organizations. Journal of Environmental Psychology, 48, 54-64, 2016.
- [۲۲] آلتمن، ا. محیط و رفتار اجتماعی. (علی نمازیان، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- [۲۳] لنگ، ج. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. (علیرضا عینی‌فر، مترجم)، تهران: انتشارات دانه‌شگاه تهران، ۱۳۸۱.
- [24] Brown, G, Crossley, C, Robinson, S L. Psychological Ownership, Territorial Behavior, and Being Perceived as a Team Contributor: The Critical Role of Trust in the Work Environment. Personnel psychology, (67:2), 463-485, 2013.
- [25] Twigger-Ross, C L, Uzzell, D L. Place and identity processes. Journal of Environmental Psychology, 16, 206-220, 1996.
- [۲۶] علیخانی، ع. هویت در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران هویت در ایران. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶.
- [27] Gifford, R. Environmental psychology: principles and practices (4th Edition ed.): Optimal books, 2007.
- [28] Trentelman, C K. Place attachment and community attachment: A primer grounded in the lived experience of a community sociologist. Society and Natural Resources, 22, 191-210, 2009.
- [29] Peng J, Strijker, D, Wu, Q. Place Identity: How Far Have We Come in Exploring Its Meanings? Frontiers in Psychology, 11, 2020.
- [30] Low, S M, Altman, I. Place Attachment. Springer, New York, 1992.

[31] Bonaiuto, M, Aiello, A, Perugini, M, Bonnes, M, Ercolani, A P. Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19(4), 331–352, 1999.

[۳۲] بهرام پور، ع.، مدیری، آ. مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک کوثر تهران. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، (۳) ۲۰، ۸۵-۹۴، ۱۳۹۴.

[33] Stedman, R. Toward a social psychology of place: Predictive behavior from place-based cognitions, attitudes, and identity. *Journal of Environment and Behavior*, 34, 561-581, 2002.

[۳۴] جوان فروزنده، ع.، مطلبی، ق. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر، (۸) ۵، ۲۷-۳۷، ۱۳۹۰.

[35] Austin, D M, Baba, Y. Social determinants of neighborhood attachment. *Sociological Spectrum*, 10(1), 59–78, 1990.

[36] Scannell, L, Gifford, R. Personally relevant climate change: The role of place attachment and local versus global message framing in engagement. *Environment and Behavior*, 45, 60-85, 2013.

[37] Cuba, L, Hummon, D M. A place to call home: identification with dwelling, community, and region. *The Sociological Quarterly*, 34, 111-131, 1993.

[38] Tajfel, H. *Differentiation between social groups: Studies in the social psychology of intergroup relations*. London: Academic Press, 1978.

[39] Bogatti, S P, Mehra, A, Brass, D J, Labianca, G. Network analysis in the social sciences. *Journal of science*, 323, 892-895, 2009.

[40] Easthope, H, McNamara, N. Measuring social interaction and social cohesion in a high density urban renewal area: the case of Green Square. *Proceedings: State of Australian Cities Conference*, Sydney, 2013.

[۴۱] تابان، م.، پورجعفر، م.، پورمند، ح. هویت و مکان؛ رویکردی پدیدارشناسانه، هویت شهر، (۱۰) ۶، ۷۹-۹۰، ۱۳۹۱.

[۴۲] فکوهی، ن. انسان شناسی و فرهنگ. تهران: انتشارات فرهنگ جاوید، ۱۳۸۹.

[۴۳] کاستلز، م. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت هویت. (احد علیقیان، افشین خاکباز و حسن چاو شبان، مترجم). تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.

[۴۴] پوردیپیمی، ش.، نورتقانی، ع. هویت و مسکن؛ بررسی سازوکار تعامل ساکنان و محیط مسکونی، مسکن و محیط روستا، (۱۴۱) ۳۲، ۱۸-۳، ۱۳۹۱.

[۴۵] ریتزر، ج. نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۴.

[46] Rohe, W M, Stewart, L S. Homeownership and neighborhood stability. *Housing Policy Debate*, 7(1), 37–81, 1996.

[47] Riger, S, Lavrakas, P J. Community ties: patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *Journal of Community Psychology*, 9(1), 55–66, 1981.

[۴۸] رامین مهر، ح.، چارستاد، پ. روش تحقیق کمی با کاربرد مدل سازی معادلات ساختاری (نرم افزار لیزرل). تهران: انتشارات ترمه، ۱۳۹۲.

[۴۹] قا سمی، و. مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش های اجتماعی با کاربرد Amos graphics. تهران: انتهشارات جامعه شنا سان، ۱۳۸۹.

[50] Geldhof, G J, Preacher, K J, Zyphur, M J. Reliability estimation in a multilevel confirmatory factor analysis framework. *Journal of Psychological Methods*, 19(1), 1-20, 2013.

Factor Structure, Validity and Reliability of Place Identity Questionnaire: A comparison between first and second-order factor analyses

Abstract

Although place-related identity is receiving increasing attention within the environmental psychology field, little attention has been paid on the effect of territoriality on place identity at the local level, therefore, the aim of the present research was to examine the factor structure of place identity in residential complexes, regarding the importance of territoriality. Made from the review of the literature on the subject and the results obtained in previous works, place identity is identified through a number of latent factors which are schematically summarized in (a) cognitive, (b) affective, (c) evaluative and (d) behavioral dimensions. This study conducted to evaluate the place identity questionnaire in residential complexes.

This cross-sectional study is an analytical study in which four residential complexes of same net residential density and same socioeconomic status of residents, in Mashhad, were selected for detailed investigation. 312 residents (owners with more than 5 years of residency) who were chosen randomly, completed questionnaire with 29 self-report items on 5-point Likert response scales. The construct validity and reliability were evaluated. The structure of the questionnaire was assessed using factor analysis.

The composite reliability for structural equation modeling was determined based on the first-order and second-order confirmatory factor analysis (CFA) using the Amos software (CR=0.74 to 0.83). In final model, the factor loading is higher than 0.3 ($\lambda=0.51$ to 0.89). The goodness-of-fit indices indicating just identified (Comparative of Fit Index: CFI=.991, Incremental Fit Index: IFI=.991, Adjusted Goodness of Fit Index: AGFI=.937, RMSEA=.023, Parsimonious Normed Fit Index: PNFI=.768) shows that this model accepted as the indicator for the place identity construct. Results show that: (1) the operationalization of place identity as a second-order construct is validated, and (3) evaluative (0.92) and behavioral dimension (0.69) had the highest regression weight or effect, and cognitive dimension (0.52) had the lowest regression weight.

According to model presented, it can be concluded that identification with place can exist at different environmental scales and can be conceived as a multidimensional construct representing beliefs, emotions and behavioral commitments concerning a particular geographic setting. In residential complexes, place identity assess through two measures, first resident's interactions with environment that generates their belonging feeling to environment and the second is "environment's affordance" that produces environment's potential interactions through qualitative aspects and efficacy dimensions of space. For first, territory as a mechanism managing the space between ourselves and others, is very important for achieving place identity, and is achievable through personalization and ownership. It is recommended that boundaries to be defined obviously and it requires a spatial hierarchy which is attainable in existence of a zone as semi-private between private and public zone. In addition, social interactions and community ties strength have been identified as the main social basis of place-related identity. A purposeful design for shaping social groups, symbolic interactions with environmental behavior's regulations, is useful. The findings revealed that four-factor model of the place identity questionnaire has satisfactory validity and reliability. Thus, this questionnaire can be used in future studies to assess the place identity in residential complexes.

Keywords

Place identity, reliability and validity, first-order confirmatory factor analysis, second-order confirmatory factor analysis, residential developments.